

نگاهی رده‌شناختی به ترتیب اجزای جمله در زبان ارمنی شرقی (گوش تهران)

بی‌تا قوچانی^۱

چکیده

علم رده‌شناسی، مطالعه تنوعات نظام‌مند بین زبان‌ها است. مبحث ترتیب واژه نیز در تعیین شباهت‌ها و تفاوت‌های میان زبان‌ها یکی از حوزه‌های مورد توجه در زمینه رده‌شناسی زبان است. در پژوهش حاضر هدف، بررسی وضعیت رده‌شناختی گونه محاوره‌ای زبان ارمنی شرقی به لحاظ ترتیب اجزای جمله است. بر اساس مولفه‌های ۲۴ گانه ترتیب اجزای واژه در ایر (۱۹۹۲)، داده‌های به دست آمده از طریق مصاحبه با گویشور خانم ارمنی^۲ (گوش تهران) ساکن تهران تحلیل شده است. بررسی داده‌ها در این پژوهش حاکی از این است که زبان ارمنی شرقی ترتیب غالب فاعل-مفعول-فعل است. چرا که این زبان در ۱۲ مورد الگوی غالب فاعل-مفعول-فعل یا زبان‌های فعل‌پایانی را از خود نشان می‌داد و در ۶ مورد الگوی فاعل-فعل-مفعول یا زبان‌های فعل‌میانی در این زبان قابل مشاهده است. در برخی مولفه‌ها نیز هر دو الگو به دست آمد. در مجموع با توجه به نتایج داده‌های این پژوهش، زبان ارمنی شرقی گرایش بیشتر به الگوی زبانی فاعل-مفعول-فعل یا فعل‌پایانی دارد.

واژه‌های کلیدی: رده‌شناسی، ترتیب واژه، در ایر، زبان ارمنی شرقی

۱- مقدمه

رده‌شناسی علمی است که در آن دسته‌بندی پدیده‌های زبانی مد نظر است. در زبان‌شناسی، این شاخه مطالعاتی با عنوان رده‌شناسی زبان^۳ و رده‌شناسی زبان‌شناختی^۴ مصطلح است که به اختصار «رده‌شناسی»^۵ گفته می‌شود (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱). این اصطلاح را نخستین بار گابلنتس^۶ (۱۸۹۱) و (۱۹۰۱) دانشمند آلمانی وابسته به مکتب نودستوریان^۷ برای نامیدن این شاخه علمی وضع کرد. برنارد کامری^۸ نیز رده‌شناسی زبان را مطالعه نظام‌مند تنوع بین زبان‌ها تعریف می‌کند.

^۱ دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ghouchani.bita@gmail.com

از سرکار خانم آرپی سوکیاسیان که با صبر و حوصله فراوان پاسخگوی سوالات بی‌شمارم بودند نهایت سپاسگزاری را دارم.

^۳ Language typology

^۴ Linguistic typology

^۵ typology

^۶ Gabelintz, G. V.

^۷ Neo-grammarians

^۸ Comrie, B.

گرینبرگ^۱ به نقل از دبیرمقدم (۱۳۹۲) چنین اظهار می‌کند که نخستین دسته‌بندی ساختارهای را مدیون فردریش شلیگل^۲ هستیم. وی در کتاب خود که در سال ۱۸۰۸ به زبان آلمانی انتشار یافت، زبان‌ها را به دو گروه دارای وند و دارای تصریف تقسیم کرد. گرینبرگ شخصیت تاثیرگذار بعدی را در تکوین رده‌شناسی، آگوست شلایخر^۳ می‌داند. شلایخر علاوه بر معرفی نظریه درخت خویشاوندی زبان‌ها، به رده‌بندی صرفی زبان‌ها نیز پرداخت. اما بی‌شک پدر رده‌شناسی نوین کسی نیست جز جوزف گرینبرگ که عمده‌ترین آثار او در حوزه رده‌شناسی و همگانی‌های زبان^۴ بوده است. به اعتقاد دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۲۷)، مقاله ۱۹۶۳ و ۱۹۶۶ گرینبرگ مقاله‌ای دوران‌ساز در مطالعات رده‌شناسی محسوب می‌شود. همچنین این مقاله موضوع رده‌شناسی ترتیب واژه را نیز به مبحثی بسیار حائز اهمیت در این نوع مطالعات تبدیل کرد (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۲۷).

کامری (۱۹۸۹) به تجمعی از ویژگی‌های رده‌شناختی اشاره می‌کند و زبان‌ها را در دو دسته قرار می‌دهد؛ به اعتقاد وی زبانی که ترتیب فعل-مفعول (VO) دارد که پیش‌اضافه‌ای است، در آن مضاف پیش از مضاف‌الیه و موصوف نیز قبل از صفت ظاهر می‌شود. زبانی که ترتیب مفعول- فعل (OV) دارد پس‌اضافه‌ای است، در آن مضاف‌الیه پیش از مضاف و صفت نیز پیش از موصوف ظاهر می‌شود (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۲۷). از آنجا که در برخی موارد این اصطلاحات تنها برای ترتیب و توالی مفعول و فعل به کار می‌رود، لذا برای جلوگیری از بروز ابهام در کاربرد این اصطلاحات، وی به پیروی از لمان^۵ (۱۹۷۳) (۱۹۷۳) به جای ترتیب فعل- مفعول (VO) از رده عمل^۶- عملگر^۷ یعنی همان هسته-وابسته^۸ سخن می‌گوید. (دبیرمقدم ۱۳۹۲: ۹۹). در جدول زیر تعدادی از عمل‌ها و عملگرها آورده شده است (دبیرمقدم، ۱۳۹۲).

عملگر	عمل
مفعول	فعل
صفت	اسم
مضاف‌الیه	مضاف
بند موصولی	اسم

جدول ۱- رده‌بندی بر اساس مولفه‌های عمل و عملگر

¹ Greenberg, J.H.

² Von Schlegel, F.

³ Schleicher, A.

⁴ Linguistic universals

⁵ Lehmann, W.P.

⁶ operand

⁷ operator

⁸ Head-dependent

با استناد به جدول شماره ۱ می‌توان گفت زبان‌های یکپارچه عمل- عملگر آنهایی هستند که در همه ساخت‌های موجود در جدول، عمل پیش از عملگر قرار می‌گیرد. در حالیکه زبان‌های یکپارچه عملگر- عمل آنهایی هستند که عملگر قبل از عمل به کار می‌رود. البته می‌توان استثنائاتی را نیز مشاهده کرد که در این مورد به ساخت غالب زبان توجه می‌شود. برای مثال زبان فارسی، زبان یکپارچه عمل-عملگر است اما در ترتیب مفعول- فعل از این قاعده مستثنی است.

برای تعیین وضعیت رده‌شناختی زبان ارمنی مقاله (۱۹۹۲) درایر^۱ الگو بوده است. پایگاه داده‌های این مقاله مربوط به ۶۲۵ زبان از خانواده‌های زبانی مختلف است و از آن زمان تاکنون این پایگاه تقویت شده به طوری که در حال حاضر تعداد زبان‌ها به ۱۰۶۱ رسیده است (درایر ۱۹۹۲ : ۸۲). وی در این مقاله ۲۴ مولفه همبستگی را مطرح می‌کند. به گفته وی هر همبستگی عبارتست از توالی رخداد یک جفت مولفه X و Y در مقایسه با توالی رخداد «فعل» نسبت به «مفعول». در ادامه توضیح می‌دهد در صورتیکه ترتیب رخداد جفت X و Y با ترتیب رخداد «فعل» و «مفعول» به لحاظ آماری همبستگی نشان دهد، آنگاه می‌توان جفت X و Y را «جفت همبستگی»^۲ نامید. در ادامه برای روشن تر شدن این تعریف به نمونه‌ای اشاره می‌کند؛ زبان‌های دارای ترتیب مفعول-فعل (OV) به استفاده از پس‌اضافه تمایل دارند درحالی‌که زبان‌های دارای ترتیب فعل-مفعول (VO) به استفاده از پیش‌اضافه تمایل بیشتری نشان می‌دهند، بنابراین جفت «حرف اضافه و گروه اسمی»، «جفت همبستگی» است و در این جفت، حروف اضافه «هم‌الگو با فعل» و گروه‌های اسمی همراه آن «هم‌الگو با مفعول» هستند (درایر ۱۹۹۲ : ۸۲).

تاکنون پژوهش‌های زیادی از منظر رده‌شناختی بر روی زبان‌های مختلف صورت گرفته است. در این تحقیق نیز زبان ارمنی از نظر ترتیب اجزای جمله از منظر رده‌شناختی مورد مطالعه قرار گرفته است. به عبارتی دیگر در این تحقیق تلاش شده است تا به این پرسش پاسخ داده شود که زبان ارمنی به کدام یک از رده‌های زبانی فعل میانی یا فعل پایانی تعلق دارد.

۲- زبان ارمنی

زبان ارمنی یکی از زبان‌های هند و اروپایی است که در منطقه قفقاز و به ویژه در کشور ارمنستان رایج است. این زبان با خط ویژه خود یعنی الفبای ارمنی که توسط مسروپ ماشوتوس^۳ ابداع گردیده است نوشته می‌شود. زبان ارمنی خود شاخه‌ای مستقل از خانواده زبان‌های هند و اروپایی است. این زبان دو گویش بزرگ اصلی دارد به نام ارمنی شرقی و ارمنی غربی که زبان رسمی کشور ارمنستان به گویش ارمنی شرقی است. ماشوتوس ابداع کننده زبان ارمنی، بانی ادبیات نوشتاری ارمنی و نخستین آموزگار، مترجم و بنیادگذار نخستین مدرسه ارمنی نیز به شمار می‌رود. در خط ابداعی وی هر واج تنها یک نشانه

¹ Dryer, M.

² Correlation pair

³ Mesrop Mashtots

ویژه دارد. جهت نوشتن این الفبا از چپ به راست است و همچنین حروف، نشانه‌های زیر و زبر و خط و نقطه ندارند (آبوازبان، ۱۳۸۰). راثین (۱۳۴۹) در کتاب خود با نام *ایرانیان ارمنی* آورده است، ایرانیانی که ارمنی هستند یکی از اصیل‌ترین اقوامی بوده‌اند که از مدت‌ها پیش در این کشور ساکن شدند و به همراه سایر اقوام و طوایف، تاریخ این مرز و بوم را بنیان نهادند. وی معتقد است عبارت «ارامنه ایران» اشتباهی لفظی است که به تدریج به یک لغزش تاریخی مبدل شده است. با این اصطلاح، گویی از قوم و ملتی بیگانه سخن گفته می‌شود که به طور موقت یا دائم در سرزمین ما ایران به سر می‌برند و تنها پیوندشان با ایرانیان، سکونت آنها در این کشور است. ارمنی‌ها سرزمین خود را «هایاستان» و خود را «های» و زبانشان را «هایرن» می‌نامند (نادری، ۱۳۸۲). «ملت ارمنی» از اختلاط و ادغام آتیک و اتیک چندین قوم و قبیله و طایفه که از هزاره‌های سوم و دوم پیش از میلاد در سرزمین کوهستانی ارمنستان می‌زیسته‌اند به وجود آمده است. یکی از این اقوام ابتدایی تشکیل دهنده ملت یکپارچه ارمنی «هایاسا» بود و دیگری «آرمن» (نوری‌زاده، ۱۳۷۶، به نقل از نادری، ۱۳۸۲).

ارامنه‌ای که امروز می‌شناسیم از نژاد هند و اروپایی و خانواده آریایی و شاخه آرمن هستند که اسلاف آنها حدود پانزده قرن قبل از میلاد مسیح از مناطق آسیای مرکزی به کناره‌های رودخانه سند مهاجرت کردند (راثین، ۱۳۴۹: ۴).

به سبب شباهت‌هایی که بین زبان فارسی و ارمنی وجود دارد و نیز به دلیل کاربرد شمار زیادی از لغات و اسامی فارسی در زبان ارمنی، برخی از هند و اروپایی‌شناسان در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی معتقد بودند که زبان ارمنی یکی از شاخه‌های زبان ایرانی است. هوویان (۱۳۸۰) از زبان‌شناسان نامدار اروپایی مانند هوشیمان^۱ آلمانی و میه^۲ نام می‌برد که پس از بررسی دو زبان و تطبیق کلمات مترادف زبان ارمنی با زبان فارسی اعلام کردند که زبان ارمنی یکی از زبان‌های مستقل خانواده هند و اروپایی است. این خانواده از زبان اولیه هند و اروپایی منشعب شده است و بر پایه همان زبان ولی در مسیری جداگانه به پیشرفت خود ادامه داده است (هوویان ۱۳۸۰: ۲۷). هوشیمان در مقاله‌ای به نام «موقعیت زبان ارمنی در میان زبان‌های هند و اروپایی» که در سال ۱۸۷۷ منتشر کرد این نظریه را بسط داد. در حقیقت وی با قراردادن ویژگی‌های بنیادی نظام‌های آوایی زبان‌های ایرانی و ارمنی در جداول توانست ثابت کند که واژه مورد نظر ارمنی است یا وام‌واژه ایرانی است (هوویان ۱۳۸۰: ۲۷).

زبان ارمنی در دوره‌ها و مراحل مشخصی دچار تحول شده است بدین ترتیب که تا سده پنجم هجری به زبان ارمنی کهن موسوم بوده است، از سده پنجم تا سده نوزدهم به طور کلی به آن «گرابار» می‌گویند که از سده یازدهم نام ارمنی میانه را یافت؛ از سده هفدهم با نام «آشخارا بارباد» نامیده شد و در همین زمان گونه‌های ارمنی شرقی و ارمنی غربی پدیدار شد (نادری، ۱۳۸۲).

^۱ Hubuchmann

^۲ Meillet, A.

۳- پیشینه مطالعات رده‌شناختی مربوط به ترتیب واژه

طبق گفته بین^۱ (۱۹۸۳)، ویل^۲ (۱۸۴۴)، را می‌توان از اولین کسانی دانست که بر اساس ترتیب واژه و با استفاده از پنج مولفه ساختاری، دست به رده‌بندی زبان‌ها زد. وی به این روش فقط هفت زبان مختلف را بررسی کرد در حالیکه اشمیت^۳ (۱۹۲۶) با همین پنج مولفه تلاش کرد تا بیشتر زبان‌های شناخته‌شده جهان را طبقه‌بندی کند. اما از زمان گرینبرگ (۱۹۶۳) بود که کاملاً مشخص شد ترتیب جفت‌های خاصی از عناصر دستوری با ترتیب رخداد فعل و مفعول همبستگی دارد.

به گفته کرافت^۴ (۱۹۹۵: ۱۰۰-۱۰۱)، پس از مقاله گرینبرگ، کتاب هاکینز^۵ (۱۹۸۳) نخستین دستاورد عمده در مطالعات رده‌شناختی مربوط به ترتیب واژه‌ها است. او در این کتاب با استفاده از داده‌های مرتبط، ترتیب واژه‌ها را در ۳۰۰ زبان بررسی کرده است. درایر (۱۹۹۲) در مقاله مهم خود با عنوان «هماهنگی‌های ترتیب واژه گرینبرگی»،^۶ ۶۲۵ زبان را با رویکرد رده‌شناختی گرینبرگ، به لحاظ همبستگی میان برخی ساخت‌های زبانی و ترتیب مفعول و فعل بررسی کرده است. وی در مقاله خود به این پرسش‌ها پاسخ داد که جفت‌های همبستگی کدام‌ها هستند؟ و چه ویژگی کلی بر رابطه میان سازه‌های هم‌الگو با فعل و سازه‌های هم‌الگو با مفعول ناظر است. از دیگر پژوهش‌ها می‌توان به لازار^۷ (۱۹۷۵)، کینان^۸ و کامری (۱۹۷۷)، توملین^۹ (۱۹۸۶)، کامری (۱۹۸۹)، ردفورد^{۱۰} (۱۹۹۷)، درایر (۲۰۰۱) و گیوون^{۱۱} (۲۰۰۱) اشاره نمود.

در ایران نیز مطالعات و پژوهش‌های زیادی درباره ترتیب واژه از منظر رده‌شناختی صورت گرفته است. به عنوان جامع‌ترین و کامل‌ترین اثر در این خصوص می‌توان کتاب دوجلدی رده‌شناسی زبان‌های ایرانی تألیف محمد دبیرمقدم (۱۳۹۲) اشاره کرد. وی در این پژوهش به زبان‌های فارسی، بلوچی، دوانی، لارستانی، تالشی، وفسی، کردی، اورامی، لکی، دلواری، نائینی، شهمیزادی و تاتی پرداخته است. از دیگر پژوهش‌هایی که مسائل مربوط به نحو زبان فارسی را از دیدگاه رده‌شناسی بررسی کردند می‌توان به شریفی (۱۳۸۷، ۱۳۸۸)، ماهوتیان (۱۳۷۸)، راسخ‌مه‌ند (۱۳۸۸)، منصوری (۱۳۸۸)، غلامی (۱۳۸۹)، رضایی (۱۳۹۰)، احمدی‌پور (۱۳۹۱)، مزینانی و همکاران (۱۳۹۴) میردهقان و زرگربالای جمع (۱۳۹۵)، اشاره کرد.

¹ Bean

² Weil, H.

³ Schmidt, P.W.

⁴ Croft, W.

⁵ Hawkins, J.A.

⁶ The Greenbergian word order correlations

⁷ Lazard, G.

⁸ Keenan, E.

⁹ Tomlin, R.

¹⁰ Radford, A.

¹¹ Givon, T.

رضاپور (۱۳۹۴) و رضاپور و عبداللهی (۱۳۹۷) در پژوهش خود ترتیب اجزای جمله را در زبان سمنانی و زبان سنگسری که یکی از زبان‌های کهن و اصیل ایرانی است بررسی کردند. صفائی‌اصل (۱۳۹۴) نیز، ترتیب واژه در گونه معیار زبان آذربایجانی را به دست داده است.

۴- روش تحقیق و جمع‌آوری داده‌ها

این پژوهش به روش تحلیلی و توصیفی انجام شده است. داده‌های تحقیق در این پژوهش از طریق مصاحبه با گویشور خانم ارمنی (گویش تهرانی) ساکن تهران به مدت ۱۰ ساعت گردآوری شد؛ ایشان کاملاً بر ساختارهای متنوع موجود در زبان ارمنی گویش تهرانی اشراف داشتند. تعداد ۴۸ جمله و عبارت بر اساس مولفه‌های بیست و چهارگانه درایر (۱۹۹۲) طراحی شد. در ادامه این جملات واج‌نگاری و همراه با نوع اجزای کلام و معادل فارسی‌شان ثبت شدند و با مولفه‌های رده‌شناختی بیست و چهارگانه مذکور در مقاله درایر (۱۹۹۲) و دبیرمقدم (۱۳۹۲) سنجیده و به دقت تحلیل شدند تا از این رهگذر ترتیب اجزای جمله در گونه محاوره‌ای زبان ارمنی (شرقی) از منظر رده‌شناختی تعیین گردد.

۵- تحلیل مولفه‌های بیست و چهارگانه در داده‌های زبان ارمنی شرقی

به اعتقاد درایر (۲۰۰۷)، ترتیب واژه‌ها یکی از تفاوت‌های مهم زبان‌ها به شمار می‌رود. در اغلب موارد منظور از ترتیب واژه ترتیب فاعل، مفعول و فعل نسبت به یکدیگر است. اما عموماً ترتیب واژه بیشتر به ترتیب هر یک از عناصر جمله در سطح بند یا درون گروه‌ها مثلاً گروه اسمی اشاره دارد. ممکن است در برخی زبان‌ها تعیین ترتیب به عنوان ترتیب غالب، به دلایل گفتمانی بسیار دشوار باشد اما درایر (۱۹۸۹) معتقد است چنانچه بسامد ترتیبی در یک زبان دو برابر بسامد ترتیب‌های دیگر باشد، آنگاه می‌توان آن ترتیب را به عنوان ترتیب پایه در نظر گرفت. این به آن معنی است که اگر تفاوت‌های بسامد بسیار کمتر از دو به یک باشد، بهتر است با آن زبان به عنوان زبانی فاقد ترتیب واژه یا دارای ترتیب آزاد رفتار کرد. در ادامه ابتدا ۲۴ مولفه همبستگی مطرح شده در چارچوب رده‌شناسی ترتیب واژه ذکر شده در درایر (۱۹۹۲) معرفی می‌شوند و سپس برای هر کدام شاهدهی از زبان ارمنی ارائه می‌گردد.

۵-۱- **توالی اسم و حرف اضافه:** این مولفه به ترتیب قرار گرفتن اسم و حرف اضافه می‌پردازد. (پیش‌اضافه یا پس‌اضافه؟). طبق مثال زیر در زبان ارمنی حرف اضافه پس از اسم (پس‌اضافه) به کار می‌رود، در واقع اکثر حروف اضافه در این زبان به صورت پسوند به اسم قبل از خود متصل می‌شوند. بنابراین می‌توان گونه محاوره‌ای زبان ارمنی شرقی را نوعی زبان پس‌اضافه‌ای دانست. او از نردبان افتاد.

na	its ^h -jelaran	əngav
او	از (حرف اضافه) نردبان (اسم)	افتاد- فعل

او با دوچرخه‌اش آمد.

na	ʔir	ov	-	hetsaniv	jekav
او	خود	-	با-	دوچرخه	آمد (فعل)

البته هنگامی که حرف اضافه «با» در معنای «همراه با» به کار رود، به صورت کلمه‌ای مستقل و پس از اسم به کار می‌رود و دیگر پسوند محسوب نمی‌شود.
با مادر

mairigi het
مادر با

۲-۵- **توالی هسته اسمی و بند موصولی:** این مولفه به توالی هسته اسمی و بند موصولی مربوط می‌شود به عبارتی آیا هسته اسمی پیش از بند موصولی قرار می‌گیرد یا پس از آن؟ طبق مثال زیر در زبان ارمنی شرقی بند موصولی به همراه متمم‌نما پس از هسته اسمی واقع می‌شود.
آن دختری که [کلاه قرمز دارد]

?ain ?axtʃ^higε [vər karmir gεlxark ?uni]
دارد کلاه قرمز که دختری(اسم) آن(ضمیر اشاره)

۳-۵- **توالی مضاف و مضاف‌الیه:** به این معنا که مضاف پیش از مضاف الیه قرار می‌گیرد یا پس از آن؟ در زبان ارمنی شرقی در همه ترکیبات اضافی یا ملکی، مضاف‌الیه همواره مقدم بر مضاف است. پس از مضاف‌الیه نیز وند حالت‌نمای اضافی [i] به کار می‌رود.
برگ درخت

i-tsar tεr^hε:v
درخت(مضاف‌الیه) برگ (مضاف)

۴-۵- **توالی صفت و مبنای مقایسه:** طبق مثال‌های زیر در زبان ارمنی شرقی هر دو امکان وجود دارد. در مواردی صفت پیش از مبنای مقایسه و در مواردی هم پس از مبنای مقایسه قرار می‌گیرد. همانطور که در مثال‌ها دیده می‌شود، زمانی که از کلمه / k^han / که نوعی حرف مقایسه است و معادل than انگلیسی است، استفاده می‌شود، صفت قبل از مبنای مقایسه قرار می‌گیرد (مثال دوم)، در غیر این صورت صفت پس از مبنای مقایسه قرار می‌گیرد (مثال اول).
کمتر از او

nεranits^h ?avεli ch^hitʃ^h
از او (مبنای مقایسه) تر کم(صفت)

زیباتر از دیروز

?avεli gεyεts^hik k^han jεrεk
تر زیبا از (حرف مقایسه) دیروز(مبنای مقایسه)

۵-۵- **توالی فعل و گروه حرف اضافه:** در گونه محاوره‌ای زبان ارمنی گروه حرف اضافه‌ای در تمامی موارد مقدم بر فعل است.
آب در ظرف می‌جوشد.

dǰure	ʔamani	mɛtʃ ^h	jerumə
آب(اسم)	ظرف(اسم)	درون(حرف اضافه)	می جوشد (فعل)

۵-۶- **توالی فعل و قید حالت:** در زبان ارمنی قید حالت مقدم بر فعل است. طبق مثال زیر، واژه «آهسته» صفتی است که به عنوان قید حالت به کار می‌رود و چگونگی رخداد فعل را توسط فاعل یا نهاد جمله بیان می‌کند. در جمله زیر تکواژ /ɛ/ همان شناسه سوم شخص مفرد است که پس از قید حالت قرار می‌گیرد. در برخی موارد در زبان ارمنی پسوند /ʔoren/ پس از قید حالت قرار می‌گیرد که معادل قید فارسی همراه با تنوین یا برای تأکید است مانند: «به آهستگی». اما به هر حال ترتیب قرار گرفتن قید در هر شکل آن قبل از فعل است.
پدرم آهسته رانندگی می‌کند.

im	hajrə	dandax	ʔɛ	kʃum
من	پدر(اسم)	آهسته(قید حالت)	شناسه سوم شخص مفرد	رانندگی می‌کند(فعل)

۵-۷- **توالی فعل اسنادی و گزاره / مسند:** در زبان ارمنی مسند مقدم بر فعل اسنادی است.
بچه سیر است

jerexan	kuft	ʔɛ
بچه (مسندلیه)	سیر (مسند)	است(فعل ربطی)

۵-۸- **توالی فعل «خواستن» و فعل بند پیرو:** طبق مقاله درایر (۱۹۹۲)، فعل «خواستن»، هسته محسوب می‌شود. بر اساس مثال‌های زیر در زبان ارمنی فعل «خواستن»، پیش از فعل بند پیرو بسته به فاعل جمله شناسه‌های متفاوت پس از فعل می‌خواستم قرار می‌گیرند و فعل بند پیرو نیز به صورت مصدر به کار می‌رود. در مثال دوم فعل مرکب «گردش رفتن» جدا شده و فعل «خواستن» در میان دو جزء فعل مرکب قرار گرفته است. اما در هر صورت فعل «خواستن» قبل از فعل سبک قرار گرفته است.
می‌خواستم به گردش بروم

ʔuzumɛji	pədujdi	gənal
می‌خواستم	به گردش	رفتن (مصدر)

pədujdi	ʔɛji	ʔuzum	gənal
به گردش	شناسه اول شخص مفرد	خواستن	رفتن (مصدر)

موصوف و صفت: طبق مثال زیر در زبان ارمنی شرقی در تمام ترکیبات وصفی، صفت بدون هیچ نشانه‌ای پیش از موصوف ظاهر می‌شود.
دختر زرنگ

tʃarɓik ʔaxtʃʰik

زرنگ- (صفت) دختر- (موصوف)

۵-۱۰- **توالی صفت اشاره و اسم:** در زبان ارمنی صفت اشاره در تمامی موارد مقدم بر اسم است.

آن پسر

ʔajn dəɣan

آن (صفت اشاره) پسر (اسم)

۵-۱۱- **توالی قید مقدار و صفت:** قید مقدار به لحاظ مفهومی یکی از انواع قید محسوب می‌شود که بر کیفیت انجام فعل دلالت دارد و مقدار یا شدت آن رخداد را تعیین می‌کند. در زبان ارمنی قید مقدار پیش از صفت می‌آید. به این دلیل که صفت، هسته محسوب می‌شود در این ساختار، مقوله وابسته یعنی قید مقدار پیش از هسته آمده است. او بسیار باهوش است.

na ʃat ʔuʃim ʔε

او خیلی (قید مقدار) باهوش (صفت) است (فعل ربطی)

۵-۱۲- **توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان - نمود:** در گونه محاوره‌ای زبان ارمنی فعل کمکی مقدم بر فعل اصلی است و شناسه می‌تواند هم به صورت پسوند به فعل کمکی متصل شود هم به فعل اصلی.

می‌خواهم بروم

ʔuzumεm gənal

می‌خواهم رفتن

ʔuzumεm gənam

می‌خواهم بروم

باید بروم.

ε-bedg gənam

باید بروم

شاید بروم.

garuɣa gənam

شاید بروم

در مثال بالا، واژه معادل «شاید» در زبان ارمنی در معانی توانستن یا امکان داشتن به کار می‌رود. «ممکن است بروم» یا «می‌توانم بروم».

۵-۱۳- **توالی ادات استفهام و جمله** : طبق مثال زیر در گونه محاوره‌ای زبان ارمنی ادات استفهام در آغاز جمله می‌آیند. در جمله زیر شناسه سوم شخص مفرد به صورت پسوند به فعل متصل شده .

کجا درس می‌خواند؟

artiyuk^h ʔusanum ε -

شناسه سوم شخص درس می‌خواند آیا(ادات استفهام)

۵-۱۴- **توالی «پیرونمای^۱ بند قیدی** » / **حرف ربط قیدی و بند**: طبق نمونه‌های زیر در گونه محاوره‌ای زبان ارمنی حرف ربط بند قیدی هم پیش از بند و هم پس از بند قرار می‌گیرد. بعد از آنکه تو را دیدم.

k^hεz ʔts^h-desnel hεtɔ

بعد از- دیدن تو

در مثال بالا حرف اضافه «از» یعنی /ʔts^h/ به صورت پسوند به فعل «دیدن» متصل شده است. قبل از اینکه بروم.

naxk^han genales

قبل بروم

۵-۱۵- **توالی حرف تعریف و اسم**: در این بخش منظور از حروف تعریف آنهایی هستند که بر معرفه بودن یا نکره بودن اسم دخالت دارند. در این زبان طبق مثال‌های زیر حرف تعریف نکره هم پیش از اسم می‌آید و هم پس از اسم قرار می‌گیرد. حرف تعریف معرفه پس از اسم قرار می‌گیرد با این تفاوت که در ابتدای اسم از صفت اشاره استفاده می‌شود. دختری

ʔaxtʃik mi

دختر-اسم یک-حرف تعریف

ε - ʔaxtʃik

حرف تعریف نکره دختر-اسم

آن دختری

ε - ʔaxtʃik ʔayn

۵-۱۶- **توالی فعل و فاعل**: در گونه محاوره‌ای زبان ارمنی همچون زبان فارسی، فاعل در جمله‌های بی‌نشان قبل از فعل قرار می‌گیرد. کارمند جایزه گرفت.

ɔx-ʔafxat nevɔr əstatsav

کارمند (فاعل) جایزه گرفت(فعل)

¹ subordinator

در مثال بالا پسوند /ՏԿ/ همان پسوند فاعلی است که بر کننده کار دلالت دارد.

۵-۱۷- **توالی عدد و اسم:** منظور از عدد در این پژوهش همان اعداد اصلی که در فارسی معیار

امروز، «صفت شمارشی» خوانده می‌شوند. در زبان ارمنی عدد همیشه پیش از اسم می‌آید.

پنج عدد سیب

hing	had	xəndʒor
پنج	تا	سیب(اسم)

۵-۱۸- **توالی وند زمان / نمود و ستاک فعل:** وند زمان -/ نمود هم پسوند ستاک فعل است و

هم در مواردی که با فعل مرکب روبرو هستیم این وند به اسم پیش از خود متصل می‌شود و قبل از فعل

قرار می‌گیرد.

آمده‌اند.

jəgəl	en -
آمدن(فعل)	اند

خواب دیده‌ام.

jeraz	em	dəsɛ:l
خواب	ام	دیدن

گول خورده‌ای.

xabvel	es -
گول خوردن (فعل)	ای

۵-۱۹- **توالی اسم و تکواژ آزاد ملکی:** (تکواژ آزاد ملکی یا همان ضمائر ملکی در زبان ارمنی

پیش از اسم واقع می‌شوند در حالیکه تکواژ وابسته ملکی به صورت واژه‌بست به اسم قبل از خود متصل

می‌شود.

کتاب تو

kʰə	girkʰə
مال تو(ضمیر ملکی)	کتاب(اسم)

کتابت

girkʰə	t-
کتاب(اسم)	تکواژ وابسته ملکی

۵-۲۰- **توالی فعل اصلی و فعل‌های کمکی در مفهوم «توانستن»:** فعل کمکی

«توانستن» در زبان ارمنی پیش از فعل اصلی قرار می‌گیرد.

نمی‌توانی رانندگی کنی.

tʃʰɛs	karuɣ-	məkəna	kʰɟəs
نه	توانستن	ماشین	برانی

۵-۲۱- **توالی متممنا و جمله متمم:** در زبان ارمنی متمم نما در آغاز جمله پیروی قرار می‌گیرد که نقش متممی یا مفعولی بند را دارند.

این اولین دفعه است که او را می‌بینم.

sa ʔaratʰin ʔankamene vor nəran desnumem
 می‌بینم (فعل) او را (مفعول) که دفعه اولین این- صفت اشاره

۵-۲۲- **حرکت پرسشواره:** در این بخش با این پرسش مواجه هستیم که آیا در گونه محاوره‌ای زبان ارمنی شرقی، پرسشواره در جای اصلی خود می‌ماند یا اینکه الزاماً، به ابتدای جمله حرکت می‌کند؟ طبق مثال‌های زیر، در مواردی پرسشواره در جای اصلی خود می‌ماند و در مواردی هم، دلایل کاربردشناختی بر این توالی تأثیر می‌گذارند و پرسشواره از جای اصلی خود حرکت می‌کند و در وسط جمله قرار می‌گیرد.

این لباس چند است؟

ʔajs haguste ʔintʃ ʔarzi
 این (صفت اشاره) لباس (اسم) چند (پرسشواره) قیمتش

ʔintʃkan karnes vorne kares
 چقدر (پرسشواره) می‌گیری که نقاشی کنی- (فعل)

۵-۲۳- **توالی مفعول و فعل:** همانطور که در مثال‌های زیر مشاهده می‌نمایید در زبان ارمنی مفعول اسمی در جملات ساده و بی‌نشان همواره پیش از فعل به کار می‌رود. اما چنانچه مفعول به صورت بند باشد، پس از فعل اصلی واقع می‌شود. پس در این زبان هم همانند زبان فارسی، شاهد دو نوع ترتیب فعل-مفعول و مفعول-فعل هستیم. من دوستم را رساندم.

ʔangerotʃes hastretsi
 دوستم را (مفعول) رساندم (فعل)

من نفهمیدم که باید چکار کنم؟
 yes tʃimatsa tʰε ʔintʃ bididi ʔanem
 من نفهمیدم (فعل) که چه باید بکنم (فعل)

۵-۲۴- **توالی وند منفی‌ساز و ستاک فعل:** تکواژ /tʃʰε/ وند منفی‌سازی است که در زبان ارمنی از آن برای منفی کردن استفاده می‌شود و همواره در قالب پیشوند و پیش از ستاک فعل مشاهده می‌شود. در تمامی موارد وند منفی‌ساز پیشوند است و قبل از ستاک فعل ظاهر می‌شود. نمی‌فهمم.

tʃʰεm haskanum
 من + وند منفی‌ساز فهمیدن (فعل)

درس نمی‌دهد

$\widehat{t}^h i$ dasavandum
 او +وند منفی‌ساز درس دادن (فعل)

فعل میانی قوی	فعل پایانی قوی	رده مولفه
	*	۱
*		۲
	*	۳
*	*	۴
	*	۵
	*	۶
	*	۷
*		۸
	*	۹
	*	۱۰
	*	۱۱
	*	۱۲
*		۱۳
*	*	۱۴
*	*	۱۵
	*	۱۶
	*	۱۷
*	*	۱۸
	*	۱۹
*		۲۰
*		۲۱
*	*	۲۲
*	*	۲۳
*		۲۴
۱۲	۱۸	جمع

جدول ۲- رده‌شناسی زبان ارمنی شرقی بر مبنای ۲۴ مولفه ترتیب واژه
(برگرفته از دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

۶- نتیجه‌گیری

بر اساس تحلیل‌های انجام‌شده بر روی داده‌های پژوهش حاضر، در چارچوب پیشنهادی موجود در مقاله درایر (۱۹۹۲)، می‌توان اینگونه ادعا کرد که زبان ارمنی شرقی دارای ترتیب غالب SOV است. همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود این زبان در ۱۲ مورد الگوی غالب SOV یا زبان‌های فعل‌پایانی را از خود نشان می‌داد و در ۶ مورد الگوی SVO یا زبان‌های فعل‌میانی را در این زبان شاهد بودیم. این زبان در مولفه‌های شماره ۴ (توالی صفت و مبنای مقایسه)، ۱۴ (توالی حرف ربط قیدی و بند)، ۱۵ (توالی حرف تعریف و اسم)، ۱۸ (توالی وند زمان-نمود و ستاک فعل)، ۲۲ (حرکت پرسشواژه) و ۲۳ (توالی مفعول و فعل) هر دو الگو را نشان می‌داد. در مجموع با توجه به نتایجی که از داده‌های این پژوهش حاصل آمد، می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که زبان ارمنی شرقی گرایش بیشتر به الگوی زبانی SOV یا فعل‌پایانی دارد. البته لازم به توضیح است که مانند بسیاری از زبان‌ها از جمله زبان فارسی، موارد بسیاری همچون عوامل کاربردشناختی و ساخت اطلاع بر ترتیب اجزای جمله در این زبان تأثیر دارند بدین معنی که الگوی ارائه شده در این پژوهش برای زبان ارمنی، الگوی غالب است.

منابع

- آیوازیان، ماریا (۱۳۸۰). «پژوهشی درباره زبان ارمنی». مجله فرهنگ، ش ۳۷ و ۳۸، صص ۱۸۳-۱۹۴.
- احمدی‌پور، طاهره (۱۳۹۱). «بررسی رده‌شناختی سازه‌ها». مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی، صص ۶۱-۶۳.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، جلد اول، تهران: انتشارات سمت.
- رائین، اسماعیل (۱۳۳۳). ایرانیان ارمنی، تهران: چاپخانه تهران مصور.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۸). «نگاهی رده‌شناختی به پی‌بست‌های ضمیری در زبان تاتی». مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی، س ۱، ش ۱، صص ۱-۱۰.
- رضایپور، ابراهیم (۱۳۹۴). «ترتیب واژه در سمنازی از منظر رده‌شناسی زبان». جستارهای زبانی، آذر و دی ۹۴، ش ۲۶، صص ۱۶۹-۱۹۰.
- رضایپور، ابراهیم و تهمینه عبداللهی (۱۳۹۷). «ترتیب واژه در زبان سنگسری از دیدگاه رده‌شناسی زبان». زبان و زبان‌شناسی، دوره ۱۴، ش ۲۷، بهار ۹۸، صص ۱۱۵-۱۴۵.
- رضایی، حدائق (۱۳۹۰). «جایگاه هسته در زبان فارسی: تأملی از دیدگاه رده‌شناختی در زمانی». مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی، س ۳، ش ۲، صص ۳۵-۴۶.
- شریفی، شهلا (۱۳۸۷). «آرای هاوکینز در حوزه رده‌شناسی آرایش واژه‌ها و بررسی انطباق یا عدم انطباق این آرا بر آرایش واژه‌ها در زبان فارسی». مجله زبان و زبان‌شناسی، س ۴، ش ۱ (پیاپی ۷)، صص ۷۷-۹۲.

- شریفی، شهلا (۱۳۸۸). « بررسی ساخت ملکی در زبان فارسی امروز از دیدگاه رده‌شناسی». مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی، س ۱، ش ۱، صص ۴۷-۶۳.
- صفائی‌اصل، اسماعیل (۱۳۹۴). « رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها در زبان آذربایجانی». نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی. س ۵، ش ۹، ۱۶۳-۱۸۴.
- غلامی، محبوبه (۱۳۸۹). «نشانداری رده‌شناختی در زبان فارسی». مجله دستور، ش ۶، لازار، ژیلبر (۱۳۸۴). دستور زبان فارسی معاصر، ترجمه مهستی بحرینی، تهران: هرمس.
- ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۷۸). دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی. ترجمه مهدی سمائی، تهران: نشر مرکز.
- مزینانی، ابوالفضل و همکاران (۱۳۹۴). «واژه‌بست‌های مفعولی و آرایش بنیادی واژگان در زبان فارسی». جستارهای زبانی، د ۷، ش ۵، صص ۴۹-۷۲.
- منصوری، مهرزاد (۱۳۸۸). « بررسی مجهول در زبان فارسی بر پایه رده‌شناسی زبان». مجله دستور، ش ۶، صص ۲۰۸-۲۳۶.
- میردهقان، مهین‌ناز و شیما زرگر بالایی جمع (۱۳۹۶). «بررسی مقایسه‌ای آرایش واژگانی بر مبنای دیدگاه رده‌شناسی هاکینز». جستارهای زبانی، آذر و دی ۹۶، ش ۴۰، صص ۲۹۲-۲۶۹.
- نادری، افشین (۱۳۸۲). «گزارشی از وضعیت ازامنه در ایران». در اخبار ادیان، اردیبهشت ۱۳۸۲، ش ۱، صص ۴۶-۵۵.
- نوری‌زاده، احمد (۱۳۷۶). تاریخ و فرهنگ ارمنستان، تهران: نشر چشمه.
- هوویان، آندرانیک (۱۳۸۰). ارمنیان ایران، مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها، با همکاری انتشارات هرمس.
- Bean, M.C. (1983). *The Development of Word Order Patterns in Old English*, London: Croom Helm.
- Comrie, B. (1989). *Language Universals and Linguistic Typology: Syntax and Morphology*. Second edition. Chicago: University of Chicago Press.
- Croft, W. (1995). "Modern Syntactic typology". In *Approaches to Language Typology*. M. Shibatani and T. Bynon (EDS.), pp.85-144.
- Dryer, M. S. (1989). "Discourse-Government Word Order and Word Order Typology". *Belgian journal of Linguistics*. 4. State University of New York at Buffalo, 69-90.
- Dryer, M. S. (1992). "The Greenbergian Word Order Correlations". *Language*. Vol.68. No. 1. pp. 81-138.
- Dryer, M. S. (2001). "Mon-Khmer Word Order from a Cross linguistic Perspective". In K.L. Adams and T.J.Hudak (eds.).

- Papers from the *Sixth Annual Meeting of the Southeast Asian Linguistics Society*. Arizona State: Tempe. Pp 83-99.
- Dryer, M. S. (2007). "Word Order", *Language Typology and Syntactic Description*, (2nd ed.) Volume I: Clause Structure, T. Shopen (Ed.), Cambridge: Cambridge University press, 61-130.
- Gabelentz, G.V. (1891). *Die Sprachwissenschaftliche Aufgaben, Methoden und Bisherigen Ergebnisse*. Leipzig T.O. Weigel (2nd enl.ed., Leipzig: C.H. Tauchnitz, 1901).
- Givón, T. (2001). *Syntax*. Amsterdam and Philadelphia. 2 Vols.: John Benjamins.
- Greenberg, Joseph H. (1963/ 1966 a). "Some Universals of Grammar with Particular Reference to the Order of Meaningful Elements". In Joseph H. Greenberg (ed.). *Universals of Language*. 2nd ed. pp. 73-113. Cambridge, Mass: MIT Press
- Hawkins, J.A. (1983). *Word Order Universals, Quantitative Analysis of Linguistic Structure Series*. New York: Academic Press.
- Keenan, E. & B. Comrie (1977). "Noun Phrase Accessibility and Universal Grammar". *Linguistic Inquiry*. Vol. 8. pp. 63-99.
- Lehmann, W. (1973). "A Structural Principle of Language and its Implications". *Language*. Vol. 49. pp. 42-66.
- Radford, A. (1997). *Syntax: A Minimalist Program*. Cambridge: Cambridge University Press. P.16.
- Schlegel, K.W.F. (1808). *Über die Sprache und Weisheit der Indier*. Heidelberg: Mohr and Zimmer.
- Tomlin T R. (1986). *Basic Constituent Orders: Functional Principles*, London: Croom Helm.